روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه | ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۱۰ ذی‌القعده ۱۴۴۵ | ۱۹ مه ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۰۴۲ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۸ سال و ۲۳۸ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4042 | SUN.MAY.19, 2024 | ISSN:2008-2886

آنگونه که رئیس فدراسیون فوتبال می‌گوید متهمان هرکدام ۲۵ سکه گرفته‌اند

از مس طلا گرفتند

صفحه ۶

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سیدرضا میرکریمی و بهروز افخمی درباره توسعه سالن‌سازی در سینما

سینما روی پرده

صفحه ۸

تیترهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ در سال ۱۴۰۱ کارگران و کارمندان بیشتر از اصناف مالیات پرداخت کرده‌اند

صنف صف آخر مالیات

■ از مجموع ۸۵۰ همت مالیات دریافت‌شده ۸۰ همت توسط کارمندان و کارگران و ۵۰ همت توسط اصناف پرداخت شده است

صفحه ۵

گزارش «وطن امروز» از عوامل وقوع سیل در مشهد

از بارش‌های فرانرمال تا سوء مدیریت

سیل سیری ناپذیر

صفحه ۴

روسیه با حمله غافلگیرکننده به مواضع نیروهای اوکراین ۹ شهرک را در اطراف خارکیف تصرف کرد

در جبهه غرب خبری است!

صفحه ۷

روایتی از پیشرفت چشمگیر ایران در صنعت دفاعی

از اردیبهشت ۱۳۵۷ تا اردیبهشت ۱۴۰۳

از خرید ۱۹ میلیارد دلاری تسلیحات آمریکایی تا فروش سلاح ایرانی به ابرقدرت‌ها

گزارش ویژه

تحول در نیم‌قرن

صفحه ۲

مرد برنده

گزارش «وطن امروز» از فرماندهی «یحیی سنوار» در نوار غزه و شکست آمریکا و اسرائیل در یافتن محل استقرار وی

صفحه ۷

نگاه

سفر پوتین به پکن انزوی آمریکا و تضعیف دلار

مهدی گرگانی: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در نخستین سفر خارجی خود پس از شروع دوره پنجم ریاست‌جمهوری‌اش همانطور که از قبل وعده داده بود به چین سفر کرد. این سفر پاسخی به سفر سال گذشته شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین به مسکو بود که در نخستین روزهای شروع سومین دوره ریاست‌جمهوری وی انجام شده بود؛ نمادی از اهمیت استراتژیک هر ۲ کشور برای یکدیگر. سفر به پکن به عنوان نخستین اقدام مهم سیاست خارجی پوتین در دوره جدید نه‌تنها در روابط دوجانبه میان این ۲ قدرت بزرگ، بلکه در جهان در حال تغییر کنونی، حامل پیام‌های گسترده‌ای برای دوستان و دشمنان در شرق و غرب است.

۱- سفر رئیس‌جمهور روسیه به چین را قبل از هر چیز باید در چارچوب دیدگاه کلان ۲ طرف در نظام بین‌الملل با محوریت پایان جهان تک‌قطبی و ظهور و بروز جهان چندقطبی ارزیابی کرد. از نگاه مسکو و پکن، پایان نظام تک‌قطبی یا نظام تک، چندقطبی مبتنی بر قدرت آمریکا تثبیت شده و سیستم بین‌الملل با سرعت در حال چرخش به سمت جهان چندقطبی است.

روسیه و چین طی سال‌های گذشته به طور فزاینده روابط دوجانبه سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک خود را با هدف مقابله با یکجانبه‌گرایی ایالات‌متحده و همچنین اتحاد در برابر فراآتلانتیک ارتقا داده و تلاش کرده‌اند راهبرد واشنگتن و متحدان اروپایی‌اش برای بازگشت به جهان تک‌قطبی را به چالش بکشند. در مقابل آمریکا طی سال‌های گذشته همواره تلاش کرده با بحران‌سازی برای چین و روسیه و مشغولیت این ۲ کشور به دردسرهای امنیتی، ضمن بر هم زدن تمرکز آنها، قدرت اقتصادی و نظامی چین و روسیه را با هدف تقویت جایگاه خود در نظام بین‌الملل تضعیف کند؛ بحران اوکراین و بحران تایوان که در هر ۲ مورد رد پای آمریکا به وضوح دیده می‌شود، ۲ مثال روشن و واضح آن است. روسای جمهوری روسیه و چین در بیانیه پایانی خود در پکن قاطعانه تاکید کردند که به طور مشترک با یکجانبه گرایی آمریکا مقابله خواهند کرد.

۲- یکی دیگر از محورهای مهم سفر پوتین به چین که این را هم باید در چارچوب اهداف کلان ۲ کشور در به انزوا کشاندن آمریکا جست‌وجو کرد، بحث تجارت با ارزهای ملی و دلارزدایی از روابط تجاری میان روسیه و چین است.

پوتین در کنفرانس خبری خود با گریز زدن به مساله انرژی، تاکید کرد اقتصاد رو به رشد چین به انرژی نیاز دارد و هیچ تامین‌کننده‌ای برای پکن قابل اعتمادتر از روسیه نیست.

ادامه در صفحه ۶

لفاظی‌های متقابل بایدن و نتانیاهو جنگ زرگری است

بشنو باور نکن

ادعای بایدن مبنی بر قطع ارسال سلاح برای رژیم صهیونیستی با دستور اعطای کمک تسلیحاتی یک میلیارد دلاری واشنگتن به تل‌آویو رسوا شد

عکس: gettyimages

هر کس به تنش‌های لفظی و حتی سیاسی این روزها بین کاخ سفید واشنگتن و «میزراد روش» تل‌آویو به چشم روزنه امیدی برای کنترل وحشیگری رژیم صهیونیستی در غزه می‌نگرد، در خواب غفلت فرو رفته است.

آنچه میان بایدن و نتانیاهو می‌گذرد، چیزی جز یک دعوای زرگری نیست که هر یک از ۲ طرف، آن را محملی برای رسیدن به اهداف سیاسی، رسانه‌ای، نظامی یا انتخاباتی خود قرار داده‌اند.

برای اثبات آنکه دولت ایالات متحده در حملات اخیر به رفح نیز همانند جنایات ۷ ماه و نیم اخیر اسرائیل در غزه، همدست صهیونیست‌هاست، چه شاهدی معتبرتر از کوئیکرها که در خود آمریکا هم به عنوان درست‌ترین جامعه مسیحی شناخته می‌شوند.

کوئیکرها که با نام رسمی «جامعه مذهبی دوستان» عمدتا در آمریکا و اروپای شمالی و جوامع اروپایی‌نشین آفریقا فعالیت دارند، با آنکه به لحاظ اعتقادی ذیل فرقه اوانجلیسم - معتقد به حقانیت انجیل- دسته‌بندی می‌شوند اما هرگز آب‌شان با مسیحیان صهیونیست در یک جوی نرفته و از روز اول تشکیل غده سرطانی اسرائیل در خاک فلسطین، حق را به فلسطینیان داده‌اند. با آنکه امروز کوئیکرها اقلیت‌هایی کوچک در ایالات متحده، انگلیس، هلند و آفریقای جنوبی محسوب می‌شوند اما نباید نقش آنها در ۳ قرن گذشته به عنوان پیشگامان نهادسازی‌های مدرن در غرب و نفوذشان بر دیگر مسیحیان را فراموش کرد. جامعه ۷۵ هزار نفری کوئیکرها در آمریکا، یکی از موتورهای محرک اصلی موج حمایت خودجوش از فلسطین و اعتراض به حمایت واشنگتن از جنایات اسرائیل در غزه در ماه‌های اخیر بوده است. اهمیت این موضع‌گیری در آن است که برخلاف دیگر گروه‌های اجتماعی آمریکایی که در اعتراضات اخیر ضد صهیونیستی نقش داشته‌اند، کوئیکرها، جزو موسسان ایالات متحده و نماینده اکثریت سفیدپوست اروپایی‌تبار مسیحی این کشور هستند نه در زمره اقلیت‌های مهاجر و رنگین‌پوست. هفته گذشته یکی از مدیران لابی پارلمانی کوئیکرها اشاره‌ای صریح به موضع منافقانه دولت بایدن در قبال دور جدید حملات رژیم صهیونیستی به غزه داشت.

حسن‌الطیب که مدیر بخش سیاست‌گذاری خاورمیانه در «کمیته دوستان در قانونگذاری ملی» است به شبکه الجزیره گفت: «ما شرایطی داریم که لفاظی‌ها با عمل مطابقت ندارد. بدیهی است دیدن همدستی ایالات متحده در این جنایات جنگی وحشتناک [در رفح] ناراحت‌کننده است».

او در واکنش به ادعای مضحک کارین ژان پیر، سخنگوی کاخ سفید مبنی بر اینکه «جای نگرانی نیست» چون رژیم صهیونیستی هنوز عملیات جنگی را در مناطق پرجمعیت رفح آغاز نکرده است، با یادآوری اینکه تا این لحظه دست‌کم یک‌چهارم جمعیت کل غزه و یک سوم کل جمعیت پناه‌گرفته در شهر رفح و حومه یعنی حدود ۴۵۰ هزار نفر بر اثر حملات ۲ هفته گذشته اسرائیل به نوار مرزی غزه با مصر (محور فیلادلفی) آواره شده‌اند، گفت: «اینکه بگوییم حمله رفح آغاز نشده است، معتبر نیست. با همه آن چیزی که می‌بینیم، تهاجم رفح در حال وقوع است. این قاعدتا عبور از خط قرمز است». مدیر بخش خاورمیانه لابی کوئیکرها همچنین پرده دیگری را از نفاق دولتمردان آمریکا در رابطه با جنگ غزه کنار می‌زند. دولت بایدن مدعی بوده برای آتش‌بس در غزه به تل‌آویو فشار می‌آورد و اغلب حماس را به دلیل رد پیشنهادات برای دستیابی به توافق برای توقف جنگ سرزنش می‌کند. به عنوان مثال جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید سه‌شنبه هفته پیش گفت: «اسرائیل پیشنهادی رو به جلو برای آتش‌بس و معامله اسرا روی میز گذاشته است. جهان باید از حماس بخواهد به میز مذاکره بازگردد و یک توافق را بپذیرد». این توهینی بزرگ به افکار عمومی آمریکا بود که در ماه‌های اخیر، در خاک خودشان در مقر سازمان ملل در نیویورک شاهد ۳ بار وتو شدن قطعنامه‌های مختلف آتش‌بس در غزه توسط واشنگتن و رای منفی به ۲ اجماع تاریخی اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره فلسطین بوده‌اند.

همچنین توهینی بزرگ‌تر به جامعه جهانی که فقط ۲ هفته جلوتر از اظهارات سالیوان، خبر توافق حماس با پیشنهاد آتش‌بس پایدار و آزادی اسرای اسرائیلی را شنید و تنها چند ساعت بعد شاهد حمله رژیم صهیونیستی به جنوب غزه بود.

الطیب در این باره گفت: «ما اکنون به یک آتش‌بس دائمی برای پایان دادن به این کشتار جمعی نیاز داریم و باید به سمت حل و فصل مسائل عمیق‌تر این درگیری وحشتناک حرکت کنیم».

موضع منافقانه کاخ سفید و نیمه دموکرات کنگره – در حالی که نیمه جمهوری‌خواه در هر حال حامی پر و پا قرص اسرائیل است – آنجا اهمیت می‌یابد که احتمال اجرای یک عملیات پرچم دروغین در سطح افکار عمومی از سوی واشنگتن برای استتار فاز دوم عملیات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در غزه را قوت می‌بخشد. نتانیاهو و حتی رقبایش در کابینه جنگ رژیم با همه اختلافات‌شان نیاز به راه‌اندازی یک عملیات نظامی در مقیاس بزرگ در رفح برای تغییر تصویر فعلی «ارتش شکست‌خورده عبری» را بویژه پس از حمله موشکی ایران احساس می‌کنند. از طرف دیگر حزب دموکرات، در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ مزورانه تلاش می‌کند برای جلب آرای بخشی از جامعه آمریکا که از جنایات اسرائیل به خشم آمده، به دوگانه بایدن - نتانیاهو در سطح رسانه‌ای دامن بزنند.

آخرین پرده از این دعوای زرگری را هفته گذشته شاهد بودیم. در حالی که رژیم صهیونیستی در حال استفاده از بمب‌های آمریکایی علیه مناطق مسکونی در مرز رفح است، بایدن مدعی شد تعلیق ارسال تسلیحات دقیق به اسرائیل با هدف جلوگیری از عملیات بزرگ در جنوب غزه بوده است. بایدن در مصاحبه کذایی معروفش با شبکه سی‌ان‌ان گفت: «من سلاح‌هایی را که از نظر تاریخی برای مقابله با رفح هستند، برای مقابله با شهرهایی که با این مشکل سروکار دارند، ارائه نمی‌کنم». خیل رسانه‌های شرکتی غربی و عربی این حرف‌ها را به مثابه نخستین رویارویی جدی بین آمریکا و اسرائیل از زمان آغاز جنگ غزه دانستند و طوری فضاسازی کردند که گویی این لفاظی‌ها، ناشی از اختلافاتی جدی است که بین دولت بایدن و اسرائیلی‌ها به خاطر نگرانی از جان غیرنظامیان به وجود آمده است. بله! بایدن ظاهرا توپ را به زمین نتانیاهو انداخته بود اما در حقیقت طبق یک سناریوی از پیش تعیین‌شده توسط لابی اسرائیلی واشنگتن، توپ را به همتای اسرائیلی پاس داد تا او هم به نوبه خود با آن بازی کند.

نتانیاهو تنها چند ساعت بعد از حرف‌های بایدن در سی‌ان‌ان، در مصاحبه مشهورش با پادکست دن سنور، روزنامه‌نگار آمریکایی مقرب آیپک، یهودیان دنیا را تهدید کرد جنگ مقدس را بدون کمک واشنگتن ادامه می‌دهد و گفت: «اگر مجبور باشیم به تنهایی بایستیم، این کار را خواهیم کرد، چون من نخست‌وزیر اسرائیل، تنها کشور یهودی هستم و کوتاه نخواهم آمد». رجرخوانی او جواب داد. نتانیاهو به قول معروف، مساله را برای آن بخش دیگر از جامعه بانفوذ یهودیان آمریکا که ممکن است صهیونیست هم نباشند ناموسی کرد و به آیپک این بهانه را داد تا با جدیت بیشتری در راهروهای کنگره به لابی‌گری بین هر ۲ طیف جمهوری‌خواه و دموکرات برای گرفتن مجوز ارسال بمب‌های قوی به اسرائیل بپردازد.

تنها در عرض چند روز، هشدارها و تهدیدهای پوشالی کاخ سفید درباره ادامه حمله به رفح کاملا از بین رفت. در ابتدا شاهد هجوم سیاستمداران آمریکایی از هر ۲ حزب و حتی مستقل به استودیوهای تلویزیونی بودیم تا رئیس‌جمهور خود را به دلیل انحراف از برنامه جنگی اسرائیل مورد سرزنش قرار دهند. حتی برخی رسانه‌های آمریکایی تصمیم بایدن را به عنوان «مشوقی برای یهودستیزی» توصیف کردند. نمایش توسط جک لو، سفیر ایالات متحده در تل‌آویو ادامه یافت. او به تأسی از متنی که آنتونی بلینکن، صهیونیست اعظم و مافوقش در وزارت خارجه برایش فرستاده بود، یکشنبه هفته گذشته تأیید کرد «اساساً هیچ چیز در روابط اساسی [آمریکا و اسرائیل] تغییر نکرده است. فقط یک دسته از مهمات آمریکایی تعلیق شده اما همه چیزهای دیگر به روال عادی ادامه دارد». در نهایت بایدن نیز پرده آخر نمایش را با نقش‌آفرینی زیر پوستی اجرا کرد و سه‌شنبه هفته گذشته به کنگره اطلاع داد برنامه‌ریزی برای انتقال یک میلیارد دلار تسلیحات به اسرائیل نهایی شده است؛ شلیکی از سوی خود بایدن به این توهم که او و دولت دموکرات‌ها خط قرمزهایی در رابطه با نسل‌کشی اسرائیل در غزه دارند و پایانی بر این بحث ساده‌لوحانه حقوقی که واشنگتن در رابطه با اسرائیل، در حال تبدیل به یک «ایالات متحده با مسؤولیت محدود» است. به قول اسامه ساری، سردبیر آژانس مطبوعاتی یمن، در عالم واقع تاکنون هیچ طرف بین‌المللی نتوانسته نشانی از خطوط قرمز بایدن علیه اسرائیل را ردیابی کند. آمریکا حتی حاضر به خط و نشان کشیدن برای رژیمی جنایتکار که آشکارا سیاست‌های اعلانی‌اش را چه در دوره اوباما و چه بایدن نقض کرده و می‌کند نیست.

ساری می‌افزاید: «جدیت آنها واقعی نیست، زیرا بایدن و بلینکن در نوامبر اعلام کرده بودند هیچ خط قرمزی وجود ندارد که مانع حمایت نظامی از اسرائیل علیه حماس شود».

به اعتقاد این روزنامه‌نگار، این باور در حال گسترش میان اعراب موافق است که دولت آمریکا صرفا امور را به صورت مرحله‌ای مدیریت می‌کند و عزمی برای تحت فشار قرار دادن تل‌آویو برای حل این جنگ بی‌رحمانه نشان نمی‌دهد.

در واقع بایدن می‌خواهد به نتانیاهو بگوید که به جای ارتکاب ۱۰۰ قتل‌عام در روز در رفح، باید ۹۰ قتل‌عام انجام دهد. به همین دلیل است که اسرائیل به ۱۰۰ نرسید، یعنی کشتارها باید متناسب با وحشیگری آمریکا باشد، نه وحشیگری معروف نتانیاهو.

یادداشت روز

غافلگیری آرتیست!

[حنیف غفاری]

ولودیمیر زلنسکی هولناک‌ترین لحظات ممکن را در جنگ اوکراین تجربه می‌کند. پیشروی غافلگیرکننده روس‌ها در منطقه خارکیف، قدرت مانور آنها را در جبهه‌های شرق نبرد افزایش داده و در مقابل، ناتو، آمریکا و اوکراین را در موقعیتی متزلزل و پرریسک قرار داده است. سال ۲۰۲۳ میلادی، قبل از اجرایی شدن ضدحمله اوکراینی‌ها، اعضای ارشد ناتو متفق‌القول بودند که موازنه قدرت در منطقه دونباس به سود کی‌یف تغییر خواهد کرد اما پس از مدتی اندک، این خوش‌بینی جای خود را به هشدار داد! کار به جایی رسید که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به زلنسکی درباره عواقب و تبعات شکست در ضدحمله علیه روس‌ها هشدار داد. این اتفاق در نهایت رخ داد. طی ماه‌های اخیر، علاوه بر ده‌ها شهرک و هدف راهبردی در خارکیف، ۲ شهر آودیوکا و باخموت نیز به تصرف روس‌ها درآمده است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه قدرت تحلیلی - عملیاتی ژنرال‌های ارشد خود در میدان نبرد را بخوبی در مسیر پیشرفت‌های جنگی اخیر به کار گرفته و حتی با تغییر وزیر دفاع خود، به نوعی زمین بازی را برای اوکراینی‌ها در شرق این کشور ناامن‌تر ساخت. صورت‌مساله مشخص است: زلنسکی در میدان نبرد غافلگیر شده است. بخشی از این غافلگیری، معطوف به پیشروی روسیه در شرق اوکراین و بخش دیگری از آن، مربوط به رویکرد زیگزاگی و ابزارگرایانه ناتو و غرب نسبت به کی‌یف است. بخش اول معادله مشخص است؛ سرعت پیشروی روسیه در میدان به‌مراتب فراتر از حد تصور ناتو و اوکراین بوده و همین مساله، قطعا بر چینش میز مذاکرات آتی احتمالی صلح به سود اهداف مسکو تاثیرگذار خواهد بود. قطعا روس‌ها از مزیت‌های میدانی خود در میدان مذاکره با کی‌یف و ناتو استفاده خواهند کرد. کاخ کرملین دیگر به ۲ تضمین حداقلی اوکراین در مذاکرات یعنی الحاق کریمه به خاک روسیه و عدم عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی اکتفا نخواهد کرد و درخواست الحاق یا خودمختاری بخش‌های دیگری از شرق اوکراین را نیز در مذاکرات مطرح خواهد کرد. فراتر از آن، روس‌ها از اوکراین خواهند خواست تضمینی فراتر از عدم عضویت در ناتو ارائه کرده و به بازیگری بی‌طرف در قبال هر گونه بحرانی در نظام بین‌الملل (بویژه محیط پیرامونی روسیه) تبدیل شود. اما غافلگیری دوم زلنسکی مربوط به نوع رفتار آتلانتیکی‌هاست. سیگنال‌های متناقضی که از سوی آمریکا، انگلیس، لهستان و دیگر اعضای پیمان آتلانتیک شمالی به اوکراین مخابره می‌شود، حکایت از آینده سختی است که در انتظار رئیس‌جمهور ساده‌لوح اوکراین قرار دارد. در حالی که کنگره آمریکا ارائه بسته کمک‌های گسترده تسلیحاتی به طرف اوکراینی را تصویب کرده و «ینس استولتنبرگ» دبیرکل ناتو از عزم کامل خود و همراهانش برای حمایت از اوکراین در جنگ با روسیه خبر می‌دهد، مقامات آلمانی اصرار زیادی دارند که از دوران پساجنگ و بازسازی اوکراین سخن بگویند! جوزپ بورل، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی نیز رویکرد مشابهی دارد. او در عرصه دیپلماسی پنهان بارها سیگنال مذاکره با روسیه را درباره نحوه پایان دادن به جنگ اوکراین مخابره کرده و در این معادله، هر چیزی به جز حاکمیت و سرزمین اوکراین برایش اصالت و موضوعیت داشته است!

آقای کمدین بازی را بسیار بدتر از حد تصورش باخته است! نه‌تنها خبری از عضویت اوکراین در ناتو یا اتحادیه اروپایی نیست، بلکه وی باید درباره حدود و ثغور سرزمین‌هایی که باید به روسیه الحاق یا خودمختاری آنها را اعلام کند، بزودی وارد جدالی سخت با حامیان غربی خود شود. او چاره‌ای جز پذیرش دستور و تصمیم نهایی بازیگرانی که سال‌ها به وی وعده عضویت قطعی در پیمان آتلانتیک شمالی و اتحادیه اروپایی را داده بودند ندارد. این انتخابی است که خود زلنسکی در ماه‌های منتهی به جنگ اوکراین انجام داد: تصور ایجاد منطقه پرواز ممنوع از سوی ناتو بر فراز کی‌یف و تحریم ۱۰۰ درصدی انرژی روسیه توسط اروپاییان، رویای تبدیل شدن به یک قهرمان جنگ را برای وی پررنگ ساخته بود؛ رویایی که وی عضویت رسمی در باشگاه‌های نظامی - امنیتی غرب را تنها یکی از خروجی‌های آن قلمداد می‌کرد. امروز رئیس‌جمهور شکست‌خورده اوکراین چیزی برای دفاع ندارد. وی بازی را نه‌تنها در متن جنگ، بلکه در فرامتن آن نیز از دست داده است. زلنسکی از اینکه به مهره‌ای برای معامله غرب با روسیه بر سر جنگ اوکراین تبدیل شود بسیار نگران است، زیرا آمریکا و اروپا آماده هستند در همین نفس‌های آخر، مهره خود را برای جلوگیری از تشدید شکست خود در برابر روس‌ها قربانی کنند. این اقتضای طبیعت آمریکا و ناتو است و حداقل زلنسکی نباید از آن گله‌مند باشد. بهتر بود رئیس‌جمهور اوکراین قبل از اعتماد صددرصدی به وعده‌های غرب، صرفا یک بار تاریخ روابط بین‌الملل و نحوه معامله آمریکا و اروپا با مهره‌های‌شان را مرور می‌کرد. اینگونه لااقل وی برای بازی در پرده آخر جنگ اوکراین آمادگی بیشتری داشت.